

درآمدی بر ادبیات‌شناسی

راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی

۱۵۴۴۸۸
۹۶/۱۰/۱۱

مستورد فتوحی رود معجنی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

درآمدی بر ادبیات‌شناسی

راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی

مؤلف: محمود فتوحی رود معینی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: فتوحی، محمود، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: درآمدی بر ادبیات‌شناسی: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی / محمود فتوحی رود معینی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.

شابک: 978-964-426-957-8

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۳] - ۱۹۶.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: راهنمای اصول آموزش و پژوهش در ادبیات فارسی.

موضوع: ادبیات فارسی — تاریخ و نقد

موضوع: Persian Literature -- History and criticism

موضوع: ادبیات فارسی — تحقیق

موضوع: Persian literature -- Research

موضوع: ادبیات فارسی — تحقیق — روش‌شناسی

موضوع: Persian literature -- Research -- Methodology

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Research Institute for Humanities and Cultural Studies

زده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۵۴/ف ۳۳۷۲ PIR

زده بندی دیویی: ۸۴۰.۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۴۹۴۷۵

فهرست

- ۷..... سپاس‌گزاری
- ۹..... پیش‌گفتار
- ۱۵..... ۱. صد سال ادبیات‌شناسی در ایران
- ۱۶..... ۱-۱. پنج مرحله در تاریخ رشته زبان و ادبیات فارسی
- ۱۷..... ۱-۱-۱. تأسیس نهاد ملی ادبیات (۱۳۰۷-۱۳۳۲)
- ۱۸..... ۱-۱-۲. گسترش نظام ادبی دانشگاهی (۱۳۳۲-۱۳۵۷)
- ۲۰..... ۱-۱-۳. چرخش انقلابی نهاد ادبی (۱۳۵۷-۱۳۷۰)
- ۲۳..... ۱-۱-۴. تکرار ادبی (۱۳۷۰-۱۳۹۰)
- ۲۶..... ۱-۱-۵. چالش‌ها و آمار (از اواخر دهه ۸۰)
- ۲۸..... ۱-۲. محققان زبان و ادبیات فارسی
- ۲۸..... ۱-۲-۱. پیشگامان مطالعات زبان و ادبیات فارسی
- ۲۹..... ۱-۲-۲. استادان رشته ادبیات فارسی
- ۳۰..... ۱-۲-۳. ادبیات‌شناسان دیگر رشته‌ها
- ۳۳..... ۱-۳. مبانی فکری ادبیات‌شناسی فارسی
- ۳۳..... ۱-۳-۱. رویکرد ملی‌گرا
- ۳۵..... ۱-۳-۲. رویکرد چپ‌گرا
- ۳۷..... ۱-۳-۳. رویکرد اسلامی
- ۳۹..... ۱-۳-۴. رویکرد نظریه‌گرا
- ۴۰..... ۱-۴. ارزش متن ادبی در چهار نظرگاه
- ۴۵..... ۲. رشته ادبیات فارسی در ترازوی نقد
- ۴۵..... ۲-۱. گستردگی موضوع
- ۴۷..... ۲-۲. اکتفا به حفظ و انتقال دانش
- ۴۹..... ۲-۳. اصالت گذشته و تاریخ
- ۵۲..... ۲-۴. صدرنشانی ادبیات تعلیمی و عرفانی

- ۵-۲. ايدئولوژي سازي ادبيات فارسي ۵۳
- ۶-۲. تأکيد بر معناي قطعي: انکار متن باز ۵۵
- ۷-۲. بحران روش و نظام‌مندی ۵۶
- ۸-۲. ادبيات، يرون از چالش‌هاي علوم انساني ۵۷
۳. از علم الادب به سوي ادبيات‌شناسي ۶۱
- ۱-۳. ادب چيست؟ ۶۲
- ۲-۱. ادب و ادبيات‌شناس ۶۲
- ۱-۳. چستي ادبيات ۶۶
- ۴-۳. ادبيات و ارزش ايش ۷۱
- ۱-۴-۳. ادب و ارزش ايش ۷۲
- ۲-۴-۳. ارزش ادبيات ۷۵
- ۵-۳. چهار کنش اصلي در ادبيات ۷۸
- ۱-۳-۵. آفرينش ادبيات ۷۸
- ۲-۳-۵. خوانش ادبيات ۷۹
- ۳-۳-۵. آموزش ادبيات ۸۰
- ۴-۳-۵. پژوهش ادبيات ۸۰
- ۶-۳. ادبيات‌شناسي، يک رشته دانشگاهي ۸۵
- ۷-۳. آموزش علمي ادبيات ۸۹
- ۱-۳-۷. آموزش نگارش خلاق ۹۰
- ۲-۳-۷. آموزش ادبيات و بازار کار ۹۴
۴. پژوهش در ادبيات ۱۰۱
- ۱-۴. گستره پژوهش در ادبيات ۱۰۲
- ۲-۴. پژوهش ادبي چيست؟ ۱۰۳
- ۱-۴-۲. سه اصل نظام‌بخش در پژوهش ادبي ۱۰۳

۴-۲-۲. کانون شناخت در ادبیات‌شناسی	۱۰۷
۴-۲-۳. شاخه‌های پژوهش و کانون‌های شناخت	۱۱۰
۴-۳. ذوق ادبی و پژوهش	۱۱۶
۵. فرایندهای حرفه‌ای در پژوهش ادبی	۱۲۷
۵-۱. متن پژوهی	۱۲۹
۵-۲. زبان پژوهی ادبی	۱۳۷
۵-۳. کلا پژوهی	۱۳۹
۵-۴. من‌گردانی پژوهی	۱۴۲
۵-۵. معنی پژوهی	۱۴۴
۵-۶. همسانی پژوهی	۱۴۸
۵-۷. پژوهش انتقادی	۱۵۱
۵-۷-۱. نقد ادبی متن	۱۵۴
۵-۷-۲. نقد فرهنگی متن	۱۵۶
۵-۸. تطور پژوهی	۱۵۹
۵-۹. نظریه پژوهی	۱۶۲
۵-۱۰. همپوشانی فرایندها	۱۶۴
۶. کاربران دستاورد پژوهش‌های ادبی	۱۶۷
۶-۱. پژوهش ادبی در خدمت ادبیات‌شناسی	۱۶۹
۶-۲. پژوهش ادبی در خدمت دیگر دانش‌ها	۱۷۱
۶-۲-۱. ادبیات و جامعه‌شناسی	۱۷۴
۶-۲-۲. ادبیات و روان‌کاوی	۱۷۵
۶-۲-۳. ادبیات و زبان‌شناسی	۱۷۶
۶-۲-۴. ادبیات و تاریخ پژوهی	۱۷۷
۶-۳. سهم ادبیات در همکاری میان‌رشته‌ای	۱۷۸

- ۱۸۰..... ۶-۴ پژوهش ادبی در خدمت جامعه
- ۱۸۰..... ۶-۴-۱ مأموریت اجتماعی ادبیات‌شناسی
- ۱۸۴..... ۶-۴-۲ کارکرد اجتماعی نقد ادبی
- ۱۸۷..... انجام سخن
- ۱۸۹..... چند پیشنهاد برای پویایی رشته ادبیات فارسی
- ۱۹۰..... مرام‌نامه ادبیات‌شناسان
- ۱۹۳..... منابع
- ۱۹۷..... پیوست
- ۱۹۷..... گرایش‌ها و کارنامه ادبیات‌نگارانی
- ۱۹۹..... نمایه

پیش‌گفتار

این روزها توجه به دانش کاربردی، تردیدهایی درباره کارآیی دانش‌های تاریخ، ادبیات، فلسفه و مانند آن روی میز برنامه‌ریزان دانشگاهی و مدیران نهادهای آموزش عالی نهاده است. باور رایج آن است که در فرایند تجاری‌سازی علم، این دانش‌ها دستاوردی برای دانشگاه و جامعه به ارمغان نمی‌آورند. در این میان پرسش از نقش اجتماعی و کارآیی دانش ادبیات، جدی‌تر از همیشه بر سر زبان‌هاست. برخی از جامعه‌شناسان علم که به انطباق دانش با واقعیت عینی و اجتماعی می‌نگرند و شناخت را منحصر به تجربه عینی و حسی می‌پندارند چنان می‌انگارند که مطالعات ادبی، کاری است تفتنی و ذهنی که آثار در ترازوی علم و فناوری نوین چندان وزنی نیست. ایشان بخش عمده پژوهش‌های ادبی مانند براساس متون کهن، شرح و تفسیر، مقایسه و تطبیق متون ادبی و پژوهش در تاریخ ادبیات و زندگی‌نامه‌ریسی و... را از جنس خدمات پژوهشی می‌انگارند که شاید به کار پژوهشگران دیگر رشته‌های علوم انسانی بیاید.

دانش‌آموختگان علوم انسانی ایران که عموماً دانش ادبی بسیارشان در سطح دروس عمومی ادبیات در دبیرستان و دانشگاه فرو مانده، پس از عامه مردم، مطالعات ادبی را امری تفتنی و از نوع تذوق با گل و بلبل می‌خوانند و از ادبیات فارسی وراثت شعری سه چهار شاعر مشهور چیزی نمی‌شناسند. آنان بر این گمانند که در کلاس‌های رشته ادبیات، برای حفظ و لذت هنری، فقط شعر می‌خوانند و بر سر تفضیل بزرگان شعر و ترجیح شعر بزرگان در مناقشه اند. به همانه این ناشناخت، آفتی است که در ذهن بسیاری از بزرگان علوم انسانی و برنامه‌ریزان دانشگاهی و علمی ایران فرونشسته و بر نگره‌های علوم انسانی و برنامه‌ریزی فرهنگی کشور نیز سایه افکند.

گاه آن ناشناخت، بر گردن نهاد ادبی دانشگاه و ما متولیان ادبیات فارسی است که در برج عاج شاهکارهای ادبی نشسته و از کاروان علوم انسانی معزل گشته‌ایم و ناخواسته نگاه جامعه و نخبگان علوم انسانی را از ادراک ارزش ادبیات و کارکردهای فکری، اجتماعی و فرهنگی دانش ادبی منصرف ساخته‌ایم. ما ادبیات‌شناسان ایرانی همواره دلخوش به این گمانیم که پایگاه نیرومند و پایدار

شاهکارهای ادبی در فرهنگ عمومی یک پستوانه ملی، فرهنگی و تاریخی والا برای رشته زبان و ادبیات فارسی بوده و هست و همین پستوانه بسنده است تا مطالعات ادبی در دانشگاه موجه و ضروری بنماید. اما غافل از این که روز به روز پایگاه‌های مردمی ادبیات فرو می‌ریزد، حتی نخبگان نسل‌های جدید نیز با ادبیات و هنر کلامی، بیگانه و بیگانه‌تر می‌شوند.

اکنون ذهن‌های پرسشگر با قدرت تمام بر آستانه دپارتمان نود ساله زبان و ادبیات فارسی ایستاده‌اند و هوشمندانه از سرشت معرفتی و نیز نقش اجتماعی این نهاد آموزشی و پژوهشی می‌پرسند که

- آ رشته ادبیات می‌تواند یک نظام دانش یا گفتمان دانشگاهی به شمار آید؟
- چه مسائلی باید موضوع کار ادبیات‌شناسی باشد؟ چه ملاک‌هایی این مسائل را تعیین می‌کند؟
- مبانی نظری، اصول روش‌شناختی و حدود دانش در این رشته چیست؟
- میزان سنجش بدین دانش حاصل از مطالعات ادبی چقدر است؟
- آیا قواعدی هست که تعیین کند کدام گزاره‌ها در مطالعات ادبی درست یا نادرست است؟
- آیا دست‌آورد پژوهش‌های ادبیات‌شناسی می‌تواند به شکل یک «معرفت منسجم» و «دانش هدفمند» در بستر یک نظم معرفتی مشخص هر نظام دانش است در آید؟
- اگر ادبیات‌شناسی به مثابه یک نظام دانش وجود دارد، چه وظایفی بر عهده اوست؟ نقش فرهنگی، کارکرد اجتماعی و کارویژه علمی‌اش چیست؟
- چه نسبتی میان رشته ادبیات و دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و ... وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش‌ها و مسائلی از این دست برای تحکیم مبانی حرفه ادبیات‌شناسی بسیار حیاتی است. ما دست‌اندرکاران علوم ادبی باید در این پرسش‌ها تأمل کنیم و موقعیت خود و دانشمان را بر اساس این پرسش‌ها بازسنجیم و حدود و نقش حرفه خویش را تبیین کنیم. این روزها مهم‌ترین ضرورت برای رشته زبان و ادبیات فارسی، بازشناسی این شاخه دانش، چونان نهاد علمی ادبی در دانشگاه‌های ایران و حتی جهان است. اکنون بیش از هر زمانی، ادبیات‌شناسان، ناگزیرند در ساختار دانش خود و در وظایف تخصصی و مأموریت علمی و اجتماعی حرفه خویش باز بنگرند و

چارچوب‌های نظری و روش‌شناختی دانش خود را به مثابه یک نظام دانشگاهی تبیین کنند و در کنار دیگر نظام‌های دانشگاهی علوم انسانی، اهداف و مأموریت‌های تخصصی و اجتماعی این دانش را مشخص نمایند.

پیشینه بحث: از سال‌های ۱۳۵۰ دغدغه‌ها درباره آموزش ادبیات فارسی و کارآمدی مطالعات ادبی و واکنش ناخوشایند دانشجویان به زبان و ادبیات فارسی آغاز شد. دکتر عبدالحسین زرین کوب در یک سخنرانی (۱۳۵۶) نگرانی خود از انقطاع نسل‌های جوان از فرهنگ و ادبیات را با تاسف از روش تدریس استادان ادبیات بیان کرد. در سال ۱۳۵۸ نیز جلساتی در دانشگاه تربیت معلم تهران برای انگیزی در روند آموزش ادبیات فارسی برگزار شد که گزارش جزئیات آن در همین کتاب آمده است (۱-۳-۱). از آن پس نیز نظام آموزشی و پژوهشی ادبیات فارسی، فراوان در معرض انتقاد بوده است. اما تمام کتاب در این زمینه با نام *درآمدی بر نگره آموزش ادبیات: جستارهایی در شناخت متن ادبی، سانسور علم ادب و روش‌شناسی راهمهدی مؤذن جامی* در سال ۱۳۹۴ شمسی / ۲۰۱۵ میلادی منتشر که در سال‌های نهادهای ادبیات مدرسی - به‌ویژه آموزش ادبیات - را با رویکردی انتقادی، توصیف و تبیین نمود. بوده دیدگاه آقای جامی بر پایه نگرشی است که در دهه هفتاد در پی آشنایی جامعه علمی ایران با نظریه‌های ادبی جدید پدیدار شد و مسائلی همچون تعریف ادبیات، ماهیت متن ادبی، روش‌شناسی در آراء روش و پژوهش ادبیات فارسی را طرح افکند. کتاب حاضر را می‌توان به وجهی در ادامه آن که در دانش با این تفاوت که آن کتاب به آموزش ادبیات بیشتر نظر دارد و این کتاب به پژوهش. دیگر این که در کتاب حاضر رشته ادبیات فارسی به مثابه یک نظام دانشگاهی بررسی شده است. پرسش‌های سودمندی دانش‌های ادبی، بلوار کار دانش‌آموختگان ادبیات و مفاهیم پیراشته‌ای و نسبت مطالعات ادبی با واقعیات اجتماعی در کتاب حاضر با جدیت بیشتری مطرح شده است.

رشته‌های دانشگاهی در طول حیات خود از هر سو آماج حمله و تهدید هستند، گاه از منظر معرفت‌شناسی و گاه از منظر مبانی آکادمیک. ظهور دانش‌های نوین نیز دانش پیشین را از اعتبار

می‌اندازد، مثل دو دانش کامپیوتر و عصب‌شناسی که دانش سنتی فلسفه ذهن را از بنیاد دگرگون کردند. اما مهمترین تهدید برای خیلی از رشته‌ها، شعار استقلال مالی دانشگاه‌هاست که ارزش دانش در هر رشته را مستقیماً با تقاضای بازار پیوند می‌زند. در شرایط تجاری‌سازی دانش، رشته‌های نظری و علوم انسانی از جمله زبان و ادبیات فارسی از جهات مختلف در معرض تهدید هستند. یک نظام دانشگاهی برای بقای خود در برابر اینگونه تهدیدها سه راهکار دارد:

۱. به درون مرزهای خود برگردد و هویت و حدود خود را تقویت نماید؛

۲. به رشته قوی‌تری نزدیک شود و به آن پیوندد؛

۳. قلمرو موضوع خود را نوتر و گسترده‌تر کند (Krishnan, 2009: 47).

کتاب حاضر مانی است که برای بازاندیشی در ساختار و مبانی رشته زبان و ادبیات فارسی که از منظر تاریخی، معرفتی، اجتماعی و ترفه‌ای به دانش ادبیات‌شناسی در دانشگاه نگریسته و کوشیده تا در بازنگری به رشته زبان و ادبیات فارسی از هر سه راهکار فوق بهره بجوید.

ساختار کتاب: مباحث شش فصلی که به آن قرار است: فصل‌های ۱ و ۲ از چشم‌انداز تاریخی، برآمدن ادبیات فارسی در دانشگاه و روند تاریخی شکل‌گیری نهاد مستقر ادبی در ایران را به بحث می‌گذارد و سیر تطور آن را تا به امروز بررسی می‌کند. بسیاری از تلقی‌های جاافتاده و متصلّب درباره ادبیات، متن، شرح، تفسیر، شناخت و کارکرد آن مفاصل در دوران آغازین شکل‌گیری همین نهاد، رقم خورده و تا امروز پابرجاست. فصل دوم مبانی نظری روش‌شناختی رشته ادبیات فارسی را به نقد گرفته است و برخی کاستی‌ها را نشان داده است. این ناست‌ها از منظر نگرش‌های انتقادی نوین مطرح است. بخش عمده مطالب این دو فصل طی دو شماره مجله ساختار (شماره‌های ۹۳ و ۱۲۰) منتشر شده است.

فصل سوم می‌کوشد تا ادبیات و ارزش‌هایش را بر مبنای نگرشی همسو با مقتضیات روزگار ما بازتعریف کند. چستی ادبیات از منظرهای مختلف، ارزش ادبیات، فعالیت‌های چهارگانه «آفرینش، خوانش، آموزش، پژوهش» که در گفتمان‌های ادبی صورت می‌گیرد و نسبت دانشگاه

با این کنش‌های چهارگانه، موضوع اصلی این فصل است. این فصل تلاش دارد تا هویت و مرزهای ادبیات‌شناسی را به مثابه یک رشته دانشگاهی تبیین کند. برای این کار حدود و ثغور دو مأموریت این رشته یعنی آموزش و پژوهش را مشخص کرده است.

فصل چهارم از پژوهش ادبی، قلمروها و شاخه‌های آن بحث می‌کند و با طراحی الگویی با سه اصل نظام بخشش (شامل کانون شناخت، هنجار، حرکت) روشی برای دستیابی به یک معرفت منسجم درباره موضوعات و مفاهیم ادبی پیشنهاد کرده است. در پایان فصل از ماهیت ذوق ادبی و نسبت آن با پژوهش ادبی سخن رفته است. فصل پنجم، اختصاص به فرایندهای حرفه‌ای در پژوهش ادبی دارد. کار و روش تخصصی که در مجموعه تحقیقات ادبی انجام می‌گیرد با عنوان کار حرفه‌ای محقق ادبی، معرفی شده و برای هر تخصص، کانون شناخت، کارویزه، مأموریت و مواضع کاربری دستاوردها، تبیین شده است.

در فصل پایانی از راهکار گسترش پژوهش‌های موضوعی رشته بهره‌جسته و با طرح مطالعات میان‌رشته‌ای آن را به رشته‌های دیگر نزدیک ساخته است. این فصل شکل بهره‌بری از دستاورد پژوهش‌های ادبی را در سه حوزه: (۱) خود رشته تخصصی (۲) دانش‌های دیگر علوم انسانی (۳) فرهنگ عمومی تبیین کرده و نسبت میان نتایج ادبیات‌شناسی با این سه قلمرو را نشان می‌دهد.

هدف این کتاب، بیش از آن که تحصیل ساختاری برای رشته ادبیات فارسی باشد برانگیختن اذهان صاحب‌نظران به تأمل درباره هویت، نقش و بقای این رشته است. ممکن است بگویند اکنون که نگاه‌ها همه معطوف به مطالعات میان‌رشته‌ای در جوامع دانشگاهی است این پژوهش‌های محدود و کار حرفه‌ای در یک رشته، وجهی ندارد. اما می‌دانیم که رشته ادبیات فارسی با آن که به‌طور سنتی با بیشتر قلمروهای علوم قدیم، تداخل و تساهم داشته اما تاکنون دامنه کار تخصصی خود را به دقت تعریف و تحدید نکرده است. این کتاب نخستین گام برای تبیین حدود و ماهیت دانش ادبیات‌شناسی است. مقدمه کار میان‌رشته‌ای آگاهی از حدود دانش و روش‌های هر رشته است. هم متخصص ادبیات‌شناس باید درک روشنی از تخصص خویش داشته باشد، هم پژوهشگری

که از رشته دیگری برای همکاری میان رشته‌ای به جانب ادبیات می‌آید نیازمند آگاهی از فرایندها و روش‌های مطالعات ادبی و زوایا و خیابای دانش ادبیات‌شناسی است.

امید آن که این درآمد بتواند گفت‌وگوهای روشنگرانه را در این موضوع تداوم بخشد. بدیهی است که از رهگذر بحث نقادانه و تضارب آراء اهل نظر، انتظارات جامعه و کارکرد فرهنگی و اجتماعی تحقیقات ادبی و چشم‌انداز آینده این رشته بیشتر شایسته امعان نظر خواهد شد.